

فقه اسلامی

من یرد الله به خیر ا یفقهه

فی الدین .

(حدیث شریف)

"کسی که خداوند به وی اراده خیر فرماید

و را در امور دین دانشمند می سازد"

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ○

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي ○ وَأَخْلِلْ عُقْدَةَ

مَنْ لِي سَانِي ○ يَفْقَهُوا قَوْلِي ○

(قرآن کریم)

"ای زما پروردگاره! زما سینه را پراخه کنه!

او زما امر (درسالت) راته آسان کنه! او زما

له ژبی خخه غوته پرانیزه! چي (خلک) زما په

خبرو (نبه) وپوهیږي"

سپتمبر 2021

محرم

شماره دو صد هشتاد و هشتم

بسم الله الرحمن الرحيم

مذاهب اسلامی که باقی نمانده

در ساحة أهل تسنن ، فقط چهار مذهب فقهی باقی مانده و تعداد زیاد از مذاهب فقهی معتبر به دلایل مختلف از صفحات معرفت اسلامی برداشته شده. مذاهب اسلامی که ادامه نیافتند ، در بسا موارد به مقارنه با مذاهب که ادامه دارند معتبر تر نیز بودند. البته عوامل متعدد سیاسی و اجتماعی سهم بارز را در ارتقاء مذاهب و در انهدام مذاهب فقهی داشتند.

حرکت فقهی یا نشاط علوم فقهی در دو قرن اول اسلامی فوق العاده بود و به دلیل فتوحات و انتشار صحابه و تابعین علوم اسلامی در نقاط مختلف جهان انتشار یافت و مراکز مهم علمی در حجاز و کوفه و بصره و خراسان و شام و مصر و مغرب تأسیس شد.

با انهدام مذاهب فقهی ، نظریات و آراء فقهاء باقی ماند و اکثر فقهاء و علماء به نظریات و آراء و اجتهادات علمای گذشته و مؤسسان مذاهب فقهی ارج گذاشتند و فتوا هایی شانرا اعتبار دادند و از آن در تحقیقات و اباحت خود استفاده کردند .

مذاهب سنی که ادامه نیافت زیاد است . امام السیوطی (ت 911 هجری / 1506 م) در کتاب خود بنام (الحاوی للفتاوی) می نویسد مذاهب ملت شریف منحصر به چهار نیست . و در حدود ده مذهب بود که کتاب های شان تدوین شده و مشهورترین آن مذهب سفیان الثوری (ت 161 هجری / 778 م) ، مذهب الأوزاعی (ت 157 هجری / 774 م) ، مذهب اللیث بن سعد (ت 175 هجری / 792 م) ، مذهب اسحاق بن راهویة (محدث ت 238 هجری / 792 م) ، مذهب ابن جریر (الطبری ت 310 هجری / 932 م) و مذهب داود (الأصفهانی ت 272 هجری / 886 م) . هر مذهب از این مذاهب پیروان خود را داشت و اما بعد از 500 سال در نتیجه در گذشت علماء و عدم توجه دیگران فراموش شدند.

باساس معرفی السیوطی از شش مذهب باقی نمانده و باساس ترتیب تاریخی و موقعیت جغرافیوی بصورت بسیار مختصر بحث را آغاز می کنیم.

اول : مذهب امام الأوزاعی

صاحب مذهب الأوزاعی : عبدالرحمن بن عمرو الإوزاعی الهمدانی ، متولد در دمشق و بزرگ شده در بیروت. راجع به مقام و منزلت علمی امام

مذاهب اسلامی که باقی نمانده /

الوزاعی شست هزار مسأله را تدوین کرده که چهار هزار آن نزد الولید بیروتی موجود بود .

نشر مذهب الوزاعی: در ابتدا مذهب الوزاعی در شام انتشار یافت و بعداً در اندلس قبل از اخیر قرن دوم هجری / هشتم میلادی چنانکه امام الذهبی در (تاریخ الإسلام) ذکر می کند انتشار یافت . مذهب امام مالک در اندلس توانست بالای مذهب الوزاعی غلبه کند . مذهب الوزاعی در دمشق ، بیروت برای مدت طولانی حاکمیت داشت . عامل مهم در نشر مذهب مالکی در اندلس در بدل مذهب الوزاعی را قاضی عیاض المالکی (ت 544 هجری / 1149 م) در کتاب (ترتیب المدارک) می گوید که هشام بن عبدالرحمن بن معاویه مردم را مکلف و مجبور به متابعت مذهب مالکی ساخت و قاضی ها و مفتی ها را از پیروان مذهب مالکی انتخاب نمود . ابن تیمیه می گوید که مذهب الوزاعی تا نصف قرن چهارم / دهم میلادی در بلاد شام رواج داشت و آخرین فقهی این مذهب قاضی احمد بن سلیمان ابن حذلم (ت 347 هجری / 959 م) بود .

دوم: مذهب امام الثوری

امام سفیان بن سعید الثوری ، محدث و فقهی کوفی و مؤسس مذهب بزرگ بود . امام سفیان بن عیینیه (ت 198 هجری / 814 م) در مورد امام الثوری می گوید: هیچیک از رجال علم را ندیدم که نسبت به حلال و حرام از سفیان الثوری عالمتر باشد . العجلی (ت 261 هجری / 875 م) در کتاب اش بنام (الثقات) می گوید که الثوری فقیه و پیروی سنت بود و از جمله اشخاصی بود که کلام شدید را در حضور سلطان می گفت .

الوزاعی به امام مالک بن انس (ت 179 هجری / 796 م) مراجعه می نمائیم ، امام مالک فتوا های الوزاعی را نسبت به فتوا های خود رجحت می داد . ابو زرعة دمشقی (ت 281 هجری / 894 م) می نویسد که امام مالک در فتوا های خود به فتوا های الوزاعی مراجعت می کرد . امام مالک الوزاعی را نسبت به امام سفیان الثوری و ابو حنیفه (ت 158 هجری / 775 م) بالاتر می دانست و میگفت الوزاعی نسبت به آنها رجحت دارد .

ابن ابی حاتم (ت 327 هجری / 939 م) در (الجرح و التعديل) می نویسد که از امام الوزاعی رساله های زیاد باقی ماند که برای مسلمانان و خلفاء نوشته بود و همیشه حق را مقابل والی ها و حکام اظهار میداشت . و بجواب بنی هاشم در مورد وصیت رسول الله به خلافت برای آهی هاشم می گوید: اگر خلافت از رسول الله صلی الله علیه وسلم ، به وصیت میبود ، علی رضی الله عنه به حکمیت راضی نمی شد (40 هجری / 661 م) .

ابن عساکر (ت 571 هجری / 1176 م) در تاریخ دمشق می نویسد که امام الوزاعی در سال 113 هجری / 723 به عمر 25 سالگی آغاز به دادن فتوا نمود و علم خود را در یک مجلد تدوین کرد . امام الذهبی (ت 748 هجری / 1347 م) در (سیر أعلام النبلاء) تراث فقهی الوزاعی را می آورد و می نویسد که در مسائل بسیار در فتوا مستقل بود و نظریات و فتوا های او در کتب بزرگان موجود است و الوزاعی مذهب مستقل داشت و فقهاء شام و اندلس مدت از زمان آن متابعت میکردند .

ابو زرعه دمشقی در تاریخ خود از الهقل بن زیاد دمشقی نقل میکند که الوزاعی به هفتاد هزار مسأله جواب داده . و ابن عساکر از ابی زرعه الرازی خبر میدهد که

مذاهب اسلامی که باقی نمانده /

سوم : مذهب الیث بن سعد القلقشندی

المصری (ت 175 هجری / 792 م)

امام الیث ، امام بزرگ و احادیث زیاد را حفظ داشت ، او در جامعه مقام علمی عالی و احترام مردم را با خود داشت . امام الشافعی (ت 204 هجری / 820 م) در مورد الیث میگوید : الیث از مالک بن انس فقهی تر بود لیکن شاگردانش فقه او را حفظ نکردند.

الیث کتب زیاد داشت اما اکثر آن باقی نماند ، یک کتاب کوچک ضمن (الفوائد) از ابن منده (ت 475 هجری / 1082 م) باقی مانده و همچنان کتاب دیگر بنام (مجلس من فوائد الیث بن سعد) . از جمله شاگردان الیث پسرش شعیب (ت 199 هجری / 815 م) بود ، او را ابن یونس الصدفی (ت 347 هجری / 959 م) در تاریخ خود می نویسد که محدث و فقیه و مفتی بود و همچنان نواسه اش عبدالملک بن شعیب فقیه و محدث بزرگ بود.

چهارم : مذهب ابی ثور

ابراهیم بن خالد الکلبی (ت 240 هجری / 855 م) که در مورد او الخطیب البغدادی می گوید: یکی از اشخاص با ثقه و امام در بین اعلام در دین بود ، ابراهیم کتابهای زیاد در احکام تألیف و همچنان بین حدیث و فقه جمع کرده . امام احمد بن حنبل (ت 241 هجری / 856 م) می گوید : اقوال او بسیار است و جوابات او در مسائل فقهی اهمیت زیاد دارد . فقهاء از ابا ثور سؤال میکردند .

ابو ثور در اول مرحله از مذهب حنفی پیروی میکرد ، و بعد از اینکه با امام الشافعی ملاقات کرد از او یعنی شافعی گرفت ، الخطیب البغدادی می گوید : ابو ثور در اول مرحله فقه را به مذهب الرأی گرفت و

خلیفه عباسی المنصور (ت 158 هجری / 775 م) اراده کرد تا الثوری را بحیث قاضی تعیین کند ، اما الثوری نپذیرفت و از کوفه در اواخر سال 155 هجری / 772 میلادی فرار کرد و بین عراق و حجاز پنهان شد تا اینکه در سال 161 هجری / 778 م در بصره وفات کرد. الندیم (ت 384 هجری / 1047 م) در (الفهرست) تعداد از کتب الثوری را نام میگردد و امام الذهبی در (السیر) می نویسد که الثوری وصیت کرده بود که کتابهای او را بعد از مرگش به آتش زنند.

مذهب الثوری در کوفه نشأت و به بغداد رسید . ابن کثیر (774 هجری / 1372 م) در (الباعث الحثیث) می نویسد که مذهب سفیان الثوری چند قرن ضمن مذاهب پنجگانه قبول شده باقی ماند و در اوائل قرن پنجم هجری / یازدهم میلادی مذهب الثوری از بغداد برچیده شد . ابن الجوزی (ت 597 هجری / 1200 م) میلادی می گوید که عبدالغفار بن عبدالرحمن الدینوری (ت 405 هجری / 1015 م) آخرین شخصیتی بود که به مذاهب سفیان الثوری در بغداد فتواداد .

النعمان بن عبدالسلام البکری (ت 183 هجری / 800 م) یکی از شاگردان الثوری ، مذهب الثوری را در اصفهان و شیراز و جرجان که امروز در ایران موقعیت دارد نشر کرد. مذهب الثوری در بعض نقاط دولت اسلامی در چند قرن رایج بود و شمس الدین الغزی (ت 1167 هجری / 1754 م) در (دیوان الإسلام) می گوید که مذهب الثوری نزدیک به پنج قرن ادامه یافت . به دلیل مشکلات بین شاگردان مذهب الثوری و مخالفت های حکومت ها آهسته آهسته مذهب به فراموشی سپرده شد

مذاهب اسلامی که باقی نمانده /

الحافظ ابن عبدالبر (ت 463 هجری / 1072 م) چنانکه الذهبی ذکر میکند در اول مرحله حیاتش با اینکه امام مذهب مالکی بود از مذهب الظاهری پیروی میکرد و بسیار اوقات نظریات فقهی الظاهری را نسبت به آراء و نظریات شافعی ترجیح می داد .

خاتم امامان مذهب الظاهری در اندلس امام ابن حزم بود. الذهبی در مورد او میگوید که او رأس علوم اسلامی بود و از او کتب زیادی در فقه و اصول و فرق مثل : المحلی بالأثار ، و الإحکام لأصول الأحکام ، و الفصل فی الملل و النحل باقی مانده است .

ششم مذهب محمد بن جریر الطبری

محمد بن جریر الطبری آخرین عقل در بین عقول فقهی بود که بحیث مذهب مستقل ظهور کرد و نظریات فقهی را در کتاب که تکمیل نشده بنام (تهذیب الأثار) تدوین کرد .

بغداد بعد از مشکلات خلق قرآن کریم (218 - 232 هجری / 833 - 847 م) همان بغداد قدیم نبود ، دشمنی و خصومت بین ابن جریر و ظاهری مشکلات جدید را بعد از مشکل خلق قرآن بوجود آورد . ابوبکر محمد بن داود الظاهری با ابن جریر به مشکل مواجه شد و ابن جریر را متهم به تأویل بعض صفات خداوند کردند و فتوای ابن جریر (مسح بالای هر دو پا) سبب شد که او را متهم به تشیع کنند .

بعد از متوجه ساختن ابن جریر به این اتهامات ، حنبلی ها مردم را از شنیدن سخنان امام ابن جریر منع کردند . الخطیب البغدادی می گوید که از طبری عالم تر در زمین ندیدیم و حنبلی ها در حق او ظلم کردند .

به قول أهل العراق (حنفی) و زمانیکه شافعی به بغداد آمد از أهل رای به حدیث رجوع کرد ، و بعداً ابو ثور برای خود مذهب مستقل با استفاده از مذهب قدیم شافعی در عراق و مذهب جدید شافعی در مصر اختیار کرد .

ابو ثور نظریات و آراء ابو حنیفه و امام شافعی را جمع و از جمع بین مدرسه عراق و حجاز به مذهب جدید رسید . امام الذهبی در (السیر) می نویسد که پیروان مذهب ابی ثور بعد از سه صد سال از بین رفتند و مذهب ابو ثور در عراق و آذربایجان و ارمنیا انتشار یافت .

پنجم : مذهب ظاهری

مؤسس این مذهب امام داود بن علی الأصفهانی (ت 270 هجری / 884 م) بود . مذهب ظاهری به بظاهر نصوص اکتفاء و قیاس را در مسائل احکام شرعی نمی پذیرفت . امام داود قیاس را در استخراج احکام شرعی نفی کرد .

الخطیب البغدادی می گوید با اینکه این مذهب از ناحیه فکری استقلال کامل داشت اما رابطه قوی با باقی مذاهب و روش فقهی بصورت اجمالی داشت و از معرفت مذهب استفاده می کرد .

الذهبی در السیر در مورد امام داود الأصفهانی می گوید که امام داود بحر و از اعلام وقت خود بود . او علم را از اسحاق بن راهویه و ابی ثور آموخت و در مجلس داود الظاهری 400 شاگرد حضور میداشت .

از امام داود کتب زیاد در ابواب فقه باقی ماند . مذهب الظاهری در غرب عالم اسلامی خصوصاً در اندلس به اوج خود رسید .

تغییر منکر

تغییر منکر باید به عقل سلیم و بیداری باشد و چهار شرط دارد:

(2) بعضی ضرورت‌ها بالای واقعیت‌ها غلبه می‌کند و بعضی محظورات را مباح می‌سازد، مثلیکه برای فرد ضرورت‌اش است برای جامعه نیز ضرورت‌های اقتصادی و عسکری و اجتماعی است و احکام استثنائی را برای ادامه ضرورت می‌خواهد.

(3) سکوت از منکر که ممکن است تغییر آن به منکر بزرگتر برسد به اساس اخف ضررین و دفع مفسده بزرگ، به استناد این مبداء فقهاء اطاعت امام فاسق را به دلیل اینکه خلع او فتنه نسبت به فسق او برپا می‌کند واجب می‌دانند.

(4) ضرورت مراعات سنت تدرج، درجه بندی، مبداء تدرج را اسلام از اول ظهور اش قبول داشت مثلاً فرض نماز و روزه و جهاد و تحریم خمر و غیره که به تدرج فرض شد.

تغییر مراتب سه گانه را می‌خواهد و برای هر مرتبه اهل آن است. شیخ اکبر شیخ محمود شلتوت در کتاب خود بنام «من توجیهات الإسلام» می‌نویسد که تغییر با دست و وظیفه حکام که قدرت تغییر عملی عمومی را داشته باشند و رؤساء خانواده‌ها و در دائره خانواده و معلمین و دیگر رؤساء که قانون برای شان حق تغییر عملی را میدهد.

انکار به قول (مرتبه دوم تغییر) از وظیفه اهل و عطف از جمله علماء دین و تربیه و اهل مطبوعات. اما کسانی که به قول نمی‌توانند رابطه با اهل معصیت را قطع نمایند، مؤمن اگر قدرت مبارزه با باطل و اهل آنرا ندارد اقل شیء که همکار آن نباشد چنانکه الغزالی می‌گوید.

{فهمی هویدی، الجزیره نت 20/1/10}.

(1) درک مقاصد علیا و در نظر داشت مقاصد علیا در تمام اوقات و ازمنه. قصه ای حضرت موسی علیه السلام با برادرش هارون علیه السلام که در قرآن کریم آمده بهترین مثال برای مقاصد علیا میباشد. زمانیکه حضرت موسی علیه السلام از قوم خود غائب شد، (السامری) قوم موسی را اغواء کرد و آنها را به عبادت عجل (گوساله) نمود و قوم به عبادت گوساله مشغول شد. زمانیکه حضرت موسی علیه السلام برگشت، بطرف برادر خود نظر کرد و حضرت هارون جواب داد «یا ابن ام لا تأخذ بلحیتی و لا برأسی، اینی خشیت ان تقول فرقت بین بنی اسرائیل و لم ترقب قولی» (طه: 94). هارون گفت: ای برادر مهربان! بر من قهر و عتاب مکن (و سر و ریش من مگیر، ترسیدم بگویی تو میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی و به سخنم و قعی نهادی. حضرت موسی علیه السلام خطاب به هارون علیه السلام گفت: «قال یا هارون ما منعک إذ رأیتهم ضلوا» (طه: 92)، (موسی در حالی که موی و سر و صورت برادر را گرفته بود به او) گفت: ای هارون! زمانی که دیدی آنان گمراه شدند، چه چیز تو را بازداشت؟

دکتور یوسف القرضاوی در بحث خود از فقه الموازنات به سکوت هارون علیه السلام در مقابل عبادت قوم از گوساله که شرک بود استشهد می‌کند و می‌گوید هارون بخاطر حفظ وحدت قوم و از اینکه فتنه برپا نشود سکوت کرد و حضرت موسی دلیل و حجت سکوت او را پذیرفت و دانست که سکوت بخاطر حفظ وحدت قوم بود.

زکات علنی داده شود تا مردم بدانند که فقراء در سرمایه اغنیاء حق دارند .
الشاذلی اضافه میکند که زکات از جمله فرائض مانند نماز و روزه و حج است و اگر انسان آنرا سری انجام بدهد ممکن است مردم او را نسبت به عقیده اش متهم سازند به همین ترتیب زکات اگر سرآ پرداخته شود و بدون اعلان تقسیم شود دهنده آنرا مردم متهم به ضعف ایمان می کنند و مورد سوء ظن مردم قرار می گیرد .

امام النووی در کتابش « المجموع شرح المذهب » می گوید که با فضیلت است که زکات بصورت علنی اخراج و توزیع شود تا مردم به زکات دهند سوء ظن نکرده مانند نمازهای فرض که باید ظاهر باشد .
در آیه کریمه که آمده: « إن تبدوا الصدقات فنعما هی و إن تخفوها و تؤتوها الفقراء فهو خیر لکم » ، اگر صدقات را آشکارا کنید کاری نیکو است و اگر آنرا پنهان نمائید و به فقراء دهید پس آن (صدقه پنهان) بشما بهتر است . در اینجا مقصد از صدقه تطوع است مانند نماز تطوع که بهتر است در منزل اداء شود و نماز فرض در مسجد بهتر است .

دکتور منذر زیتون استاد فقه اسلامی در مورد آیه ذکر شده می گوید که در این جا جواز دو امر است ، و هر دو کار خوب و حسن است با اینکه در بعض احادیث فضیلت سری بودن صدقات آمده چنانکه رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می فرمایند : « سبعة یظلمهم الله فی یوم لا ظل إلا ظله ، و منهم : رجل تصدق بصدقة فأخفاها حتی لا تعلم شماله ما تنفق یمینه » هفت نفر است که خداوند در زیر سایه خود روزی که بجز سایه او نیست می گیرد و در بین شان : مردی که صدقه میکند و آنرا پنهان می سازد تا درجه

سرمایه گذاری از پول صدقات در برنامه های که بیشتر نفع به مردم برساند
بین صدقه دهندگان و زکات دهندگان و خیرخواهان عادت شده که زکات و صدقات شانرا بصورت علنی و با گرفتن عکس توزیع کنند ، این عادت را عده آفت بزرگ و ریاء می دانند و از طرف دیگر حالت ضعف و ناتوانی برای گیرنده صدقات و زکات می دانند .

زکات در اسلام فرض و در جمله فرائض است و در هر سال کسانی که نصاب زکات را داشته باشند ، زکات مال خود را میدهند و با زکات اهل خیر صدقات دیگر را نیز به فقراء و صاحبان احتیاج میدهند و زکات و صدقات مبالغ انگفت و بزرگ نیز است . سؤالات زیاد در باب مصارف صدقات و زکات در این اواخر مطرح میشود و سؤال میشود که اگر زکات و صدقات در برنامه های اقتصادی که نفع بیشتر برای فقراء و مساکین دارد سرمایه گذاری شود مفید تر نخواهد بود ؟

دکتور ابراهیم الشاذلی ، استاد پوهنتون الازهر مصر در تحقیق خود می گوید که مال فلسفه خاص بخود دارد مثلاً : « مال که خداوند برای مسلمان داده ، امانت و ابتلاء - امتحان - است ، خداوند می بیند که بنده به مال چه طور نظر می اندازد و به آن چه نوع عمل می کند تا صدق ایمان مسلمان و شعور و عاطفه اش در مقابل فقراء و صاحبان احتیاج تجربه شود . خداوند می فرماید : « و أنفقوا مما جعلکم مستخلفین فیہ » ، (به راه خدا) انفاق کنید ، پس بر آنان که آنان که از شما ایمان آورند ...

زکات مال حق الله است و مسلمان بهمین هدف و شعور و احساس حق خداوند را می پردازد به معنی دیگر از سخاوت و کریم بود خود نمی پردازد . باساس حق الله در اموال مردم علماء باین عقیده و باور اند که باید پول

صدقه دهنده را که ریاء است دانست. خانم ریمی مثال می آورد و میگوید از کجا فهمیده شد که حضرت عثمان قوای العسرة را تجهیز کرد؟ از کجا دانستیم که سیدنا ابوبکر تمام سرمایه اش را در غزوه تبوک صدقه کرد؟ از کجا می دانیم که عمر نصف مال خود را بعد از اینکه از رسول الله صلی الله علیه و سلم در مورد صدقه ابوبکر دانست صدقه کرد؟

خانم حمود اضافه میکند: زکات عموماً و زکات فطر واجب است بشکل مال و یا مواد غذایی کشیده شود و در برنامه های اقتصادی مصرف نشود و این امر به علماء تعلق میگیرد، اما اموال صدقات ممکن است در برنامه های اقتصادی که بیکاری را از بین مردم بردارد استفاده شود.

محقق اجتماعی اردنی « مفید سرحان » می گوید که در شرایط مشکل امروز، اعلان صدقه و زکات تشویق برای دیگران میباشد تا در حل مشکلات مردم سهم باشند و از روش در خیر پیروی دیگران استفاده کنند با توجه به نیت صدقه دهنده که خاص برای خداوند باشد.

از نظر محقق اردنی سرحان بیشتر شدن تعداد فقراء و محتاجین و بلند رفتن تکالیف و مصارف زندگی و ضرورت های متفاوت یتیم ها و بیوه ها و شاگران و مریض ها و فقراء و کسانی که آماده ازدواج اند و مهاجرین به سبب جنگ ها و مشکلات و ضرورت عده برای کمک برای سالهای متمادی، در این حالات تخصیص بعضی از اموال صدقات و زکات برای استفاده اقتصادی به خاطر گروه های محدود دخل و جهت نموی مال و سرمایه مفید است؛

که دست چپ از دست راست که صدقه می دهد نمی داند. در روشنی حدیث مبارک میتوان گفت که دادن سری صدقه در بعضی اوقات بهتر است به دلیل اینکه ممکن است گیرنده صدقه از گرفتن صدقه خجالت بکشد. اما اعلان از دهنده صدقه برای ترغیب دیگران و تشویق مردم برای دادن صدقه اهمیت دارد و یا اینکه صدقه دهنده میخواهد ثبت کند و یا اینکه انجمن خیریه است میخواهد صدقه را ثبت کند تا برای ادارات مالیه راپور بدهد در اینصورت ثبت و اعلان آن ضروری است.

در مورد اینکه آیا میتوان از صدقات و زکات در برنامه های اقتصادی استفاده کرد، دکتور زیتون می گوید: صدقه و زکات نباید از اصل هدف زکات و صدقه بیرون شود لذا نمیتوان صدقه و زکات خود را در برنامه های اقتصادی استفاده نمود. اما وکیل صدقه و زکات دهند و یا جهت مخصوص که اموال زکات را جمع آوری میکنند میتوانند این وظیفه را انجام دهند تا از سرمایه گذاری و حاصل آن برای طویل المدت استفاده شود و اما سؤال مطرح میشود که در صورت خساره آیا فقراء قدرت تحمل فقر را میداشته باشند؟

و امکان است تا باقی مانده زکات را به مصلحت زکات صرف کرد و پول صدقات را در برنامه های اقتصادی برای منفعت طویل المدت سرمایه گذاری نمود و زکات را توزیع کرد.

نویسنده سوری خانم «ریمی حمود» در مورد آیه مبارکه «إن تبدوا الصدقات فنعماً هی...» معنی آن زشتی نیست و این دلیل برای اعلان از صدقه میباشد.

اعلان صدقه و زکات از طرف دهنده آن معنی ریاء را نمی دهد و نباید به ریاء کاری متهم شود و از نیت مردم بجز خداوند کسی خبر ندارد، پس از کجا میتوان نیت

مسلمان در توزیع تفاوت نیست نظر به قاعده «أصالة و تبعية» {اعتبار، سندیت، به اعتبار تابعیت} اگر مسلمانان اکثریت باشند و بین شان اشخاص غیر مسلمان باشد واجب است که ایشان را کنار نگذاشت تا فتنه بوجود نیاید.

در اصل است که زکات برای غیر مسلمانان داده نمیشود اما در حالات خاص مثل حالات الأصلة و التبعية و در حالت وجود اقلیت غیر مسلمان واجب است که ایشانرا را دور نساخت و خصوصاً که در مورد تألیف قلب که در آیه کریمه ذکر آن آمده همه اتفاق نظر دارند.

صفحه ای از تاریخ معاصر افغانستان

1930 — 1900

تألیف: فضل غنی مجددی

تحقیق جدید در 591 صفحه برای مطالعه شما آماده است . شما میتوانید کتاب را از آدرس فقه اسلامی بدست آورید. قیمت کتاب \$25 و قیمت پست برای امریکا \$5 میباشد. نظر به قیمت گراف پستی از فرستادن کتاب به اروپا بصورت انفرادی معذرت میخواهیم.*

از دواج و تربیه در فکر معاصر اسلامی

تألیف: فضل غنی مجددی

تحقیق در 380 صفحه برای مطالعه شما آماده است. قیمت کتاب: \$25، مصارف پستی \$5.

Fazl Ghni Mogaddedi

201 Washington Blvd # 104

Fremont, ca 94539

U.S.A

Tel (510)979-9489

WhatsApp (510)673-5264

fazlghanimogaddedi@yahoo.com

Islaminfo.one

aamo-usa.com

بشرطیکه عاملین این عمل با اعتماد و صاحب اداره باشند و از طرف ادارات مالی نیز مراقبت شود .
و از جانب دیگر برنامه های اقتصادی سبب این میشود تا عده در آن کار کنند ، البته با نظر داشت اینکه از تعلیم و ساختار خانواده و تربیه باز نمانند .

جواز دادن زکات برای غیر مسلمان

دکتور القره داغی ؛ سکرتر جنرال اتحاد بین المللی علمای اسلام می گوید:

دادن جزء از زکات برای همسایه غیر مسلمان از باب تألیف قلب به نص قرآن کریم جواز دارد .

اگر در داخل کشور اسلامی مؤسسات خیریه زکات را توضیح می نمایند واجب است تا بین مسلمان و غیر مسلمان در دادن زکات فرق نگذارند و برای همه باشندگان بدون تفرقه بدهند .

قره باغی در این مورد به معامله رسول کریم با غیر مسلمانان استنباط می کند و میگوید که عمر بن الخطاب با غیر مسلمانان همین معامله را کرده بود ، اسلام دین عظیم است اما از طرف گروه های افراطی در غرب صورت و شکل اسلام مغشوش معرفی شده .

در مورد اینکه شرط دادن زکات مسلمان بودن است ، دکتور قره باغی میگوید که نزد جمهور فقهاء همین نظریه است اما فقهاء دیگر این مورد را جواز می دانند و خصوصاً برای تألیف به استناد آیه مبارکه « إنما الصدقات للفقراء.....» صدقات برای فقراء.

اما بغیر از تألیف قلب اگر فقراء در داخل امت اسلامی زندگانی داشته باشند در این حالت بین مسلمان و غیر